

تبدیل شلمزار به شهر و نقش آفرینی آن در توسعه روستاهای پیرامون

مطالعه موردی: بخش کیار - شهرستان شهرکرد^۱

محمدحسن ضیاءتوانا* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی
خدیجه شریفی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۵/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۲/۱

چکیده

از راهکارهای موجود به منظور پرهیز از رشد غیراصولی شهرهای بزرگ و مشکلات ناشی از آن، به ویژه نابرابری‌های میان شهرها و روستاها، توجه به ایجاد و توسعه شهرهای کوچک است. این راهکار برای رفع نابرابری‌ها و تفاوت‌ها بین این دو عرصه جغرافیایی در چارچوب ساماندهی فضایی، مناسب می‌نماید. تبدیل مراکز روستایی به شهر را می‌توان از جمله روش‌های مناسب توسعه شهرهای کوچک طی سال‌های اخیر برشمرد. تغییرات ناشی از تبدیل روستا به شهر نه تنها تحولات اجتماعی و اقتصادی و فضایی مهمی را در خود این مراکز ایجاد می‌کند، بلکه تأثیرات عمده‌ای را نیز بر حوزه نفوذ آنها می‌نهد. از این رو پژوهش حاضر در پی پاسخ به این دو پرسش اساسی است: در تبدیل روستا به شهر کدام یک از عوامل درون‌زا یا بیرونی نقش مؤثرتری دارند؟ فرآیند تبدیل روستا به شهر تا چه میزان و چگونه می‌تواند زمینه‌های توسعه روستاهای پیرامون را فراهم آورد؟ بدین منظور به عنوان نمونه شلمزار در زمینه بهره‌مندی از امکانات گوناگون در دو دوره پیش و پس از تبدیل به شهر مقایسه گردید و سپس به ارزیابی میزان نقش آفرینی این شهر کوچک در توسعه روستاهای سه دهستان بخش کیار پرداخته شد. انجام این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی، حاکی از این است که در تبدیل شلمزار به شهر عوامل بیرونی و حمایت دولت نقش عمده‌تری از عوامل درون‌زا داشته‌اند. همچنین به‌رغم موفقیت ناچیز شلمزار در ارائه تسهیلات و امکانات به روستاهای دهستان کیار شرقی و دستگرد، عملکرد این شهر در برقراری رابطه اجتماعی و اقتصادی با دهستان کیار غربی و فراهم کردن زمینه‌های توسعه روستاهای این دهستان به روستاییان، موفق ارزیابی شده است.

کلیدواژه‌ها: شهرگرایی، شهر کوچک، توسعه روستایی، شلمزار، شهرکرد.

۱- این مقاله گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خدیجه شریفی با عنوان «روند تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستاهای پیرامونی (مطالعه موردی: شلمزار در شهرستان شهرکرد استان چهارمحال و بختیاری)» است که با راهنمایی مشترک دکتر سیدحسن ضیاءتوانا، دکتر غلامحسن شیخ‌حسینی و مشاوره دکتر زهره فنی در سال ۱۳۸۸ در دانشکده جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی از آن دفاع شد.

مقدمه

شناخت صحیح روابط جاری میان محیط‌های شهری و روستایی می‌تواند نقشی یاری‌رسان در تغییر ساختاری- عملکردی روابط و مناسبات موجود بین آنها و در نتیجه برقراری پیوندهای مناسب داشته باشد (شکویی، ۱۳۷۹، ۵۵). این‌گونه روابط و مناسبات در دنیای غیرصنعتی عمدتاً و پیوسته بر تحمیل نوعی ویژه از «روابط سلطه» با «ماهیت استثماری» از سوی شهرها بر محیط‌های روستایی استوار بوده است (سعیدی، ۱۳۷۹، ۷۶). تمرکزگرایی شهرها و گسیختگی نظام سلسله‌مراتبی را در بیشتر کشورها می‌توان از بارزترین مشکلات ایجادشده پس از انقلاب صنعتی دانست که بر این روابط استثماری و نابرابر دامن زده است. از جمله راهکارهای مهم به منظور رفع این مشکلات و نابرابری‌ها، گرایش مشخص و سیاست‌گذاری به نفع شهرهای کوچک و میانی بوده است. بر این اساس طی سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه - از جمله مالزی، چین، کنیا و همچنین ایران - به امر توسعه و ایجاد شهرهای کوچک از طریق تقویت روستاهای بزرگ و ارتقای آنها در نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی توجه گردیده است (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۳۰). این روند از اهداف و برنامه‌های دولت‌ها به شمار می‌رود به همین خاطر مکان‌هایی که شهر شناخته می‌شوند، حقوق قانونی ویژه‌ای متناسب با سلسله‌مراتب شهری و نهادهای سیاسی و اداری به دست می‌آورند. به‌علاوه، مناسبات متقابل و تنگاتنگ میان دولت و شهرها به تدریج بر اهمیت سیاسی شهر می‌افزاید و به نوعی آن را به پنجره سیاسی عملکردهای دولت تبدیل می‌کند (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۳، ۲۹). در حالی که برای مشاهده تأثیر پروژه‌های توسعه روستایی بر شرایط زندگی گروه‌های هدف به زمانی طولانی نیاز است، شهرهای کوچک انگیزه‌ها و محرک‌های توسعه را به سرعت می‌پذیرند؛ و شهرنشینی سریع در واقع با رشد اقتصادی سریع و تغییر در سبک زندگی همراه است (Bloh, 2008, 8). در ایران طی نیم قرن اخیر و به ویژه سه دهه آخر آن شرایط برای رشد و گسترش شهرنشینی فراهم گردید که عمده‌ترین تبعات - و به بیان دیگر معضلات - آن عبارت بوده‌اند از: افزایش جمعیت شهرنشین، ناموزونی در شبکه شهری، گسیختگی پیوند

فضایی شهرها و روستاها و عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت (نظریان، ۱۳۷۵، ۴۹). بنابراین توجه به توسعه شهرهای کوچک، برای رفع چنین مشکلاتی در کشور به ایجاد تغییرات اساسی در بسیاری از روستاها و تبدیل آنها به شهر انجامید. گرایش به چنین رویکردی در ایران متأثر از مجموعه عواملی است که می‌توان آن را به دو دسته اساسی درون‌زا و برون‌زا تقسیم کرد.

الف) عوامل درون‌زا

- ۱- رشد جمعیت که تعادل بین اکوسیستم را- و به ویژه عوامل تولیدی در بستر طبیعت روستا با عامل انسانی- برهم می‌زند و به محدود کردن توان‌های محیطی می‌انجامد؛
- ۲- وجود سطحی از امکانات و خدمات در روستا که در عین تفاوت با سطح امکانات در مناطق شهری، در مقایسه با امکانات دیگر نقاط روستایی، در خور توجه ارزیابی می‌گردد.

ب) عوامل برون‌زا

این عوامل را دولت‌ها به منظور خدمات‌رسانی و ساماندهی سازمان فضایی، به یکی از این چهار روش اعمال می‌کنند:

- ۱- روستاهای بزرگ و پرجمعیت به دلیل داشتن آستانه جمعیتی به نقاط شهری تبدیل می‌شوند؛
- ۲- روستاهایی در پی ادغام در یکدیگر به حد متعارف جمعیت شهری دست می‌یابند و تبدیل به شهر می‌شوند؛
- ۳- روستاهای قرار گرفته در حوزه نفوذ و پیرامون شهرها، با توسعه فیزیکی شهر به درون آنها، هضم و تبدیل به شهر می‌گردند؛ و
- ۴- روستاهایی که در مرکز بخش قرار دارند، لزوماً می‌بایست اختیار شهرشدن را داشته باشند.

جدای از عوامل زمینه‌ساز در تبدیل روستا به شهر، در ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵، به چهار معیار و ملاک اصلی برای تبدیل روستا به شهر توجه شده است:

- ۱- دارا بودن دست‌کم ۱۰ هزار نفر جمعیت؛
 - ۲- داشتن بافت ساختاری متفاوت با روستا؛
 - ۳- خودکفا بودن نسبی در زمینه خدمات شهری؛ و
 - ۴- ایفای نقش به عنوان کانون مبادلات اجتماعی- اقتصادی حوزه نفوذ خود.
- طبق تبصره ۵ الحاقی (مصوب ۷۱/۲/۲۳) شرط جمعیت برای روستاهای مرکز بخش حذف گردید و تلقی شهر و تأسیس شهرداری منحصراً در روستاهای واجد شرایط، در تراکم کم با دست‌کم ۴۰۰۰ نفر و در تراکم متوسط با ۶۰۰۰ نفر تعیین گردید (طاهرخانی، ۱۳۷۸، ۱۸).
- در اواخر سال ۱۳۷۸ طبق مصوبه‌ای، یک‌صد روستای مرکز بخش در سراسر کشور بدون توجه به ملاک جمعیتی، شهر اعلام شدند. همچنین بر طبق آمارهای موجود به سبب تغییر در معیارهای شناخت شهر به شکلی که از آن یاد شد، طی سال‌های ۱۳۷۰ تا اواسط سال ۱۳۸۸، با تبدیل مراکز روستایی ۵۳۱ شهر به شبکه شهری کشور افزوده شده است. در این میان استان‌های اصفهان و قم به ترتیب رتبه‌های اول و آخر و استان چهارمحال و بختیاری رتبه سیزدهم را در تعداد روستاهای تبدیل‌شده به شهر داشته‌اند. پژوهش حاضر با مطالعه موردی شهر شلمزار در بخش کیار شهرستان شهرکرد به دنبال مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تبدیل این روستا به شهر و میزان نقش آفرینی آن در توسعه روستاهای پیرامونش است.

مبانی نظری پژوهش

ایده و موضوع مطالعه نقش و تأثیر نقاط شهری کوچک در سطح منطقه‌ای و محلی چه بسا نخستین بار با کار جانسون^۱ (۱۹۷۰ میلادی) و بحث «مراکز توسعه روستایی» به وسیله فانل^۲ (۱۹۷۶ میلادی) آغاز و مطرح گردید که تقریباً جدیدترین موضوع در توسعه منطقه‌ای به شمار

1- Jonson

2- Fanel

می‌آمد (Barean, 2009, 12-15). جانسون در تأکید بر نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک مناطق روستایی، تا آنجا پیش رفت که توسعه روستاها را در گرو شبکه‌ای از شهرهای کوچک که نقش واسط ارتباط با شهرهای بزرگ را داشته باشند، نگریست (صرافی، ۱۳۷۷، ۱۳۰-۱۳۲).

بدون شک یکی از مهم‌ترین طرفداران این دیدگاه دنیس راندینلی^۱ است که با همکاری رودل در سال ۱۹۷۸، بحث عمیق و گسترده‌ای در این زمینه با نوشتن کتاب «عملکردهای شهری در توسعه روستایی» فراهم آورد (Baresky, 2009, 88). راندینلی این رویکرد را که برگرفته از نظریات جانسون است، برای اضافه کردن ابعاد فضایی و مکانی به برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای (به عنوان مکمل دیگر انواع برنامه‌ریزی‌ها، و نه جایگزین آنها) در سال ۱۹۷۶ ارائه کرد. وی این را مطرح ساخت که چنانچه دولت‌ها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه دست یابند، باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذاری‌ها را تقویت کنند و این امر از طریق تمرکز یکپارچه شهرها ممکن می‌شود و دسترسی به بازارها را برای همه مردم کشور فراهم می‌سازد (پاپلی یزدی و دیگران، ۱۳۸۱، ۱۷۶).

نیل هنری در تبیین نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی، شهرنشینی اشاعه‌یافته از پایین را که دربرگیرنده توسعه شهرهای کوچک و میانی است، وسیله‌ای میسر و عملی برای توسعه کشورهای درحال توسعه برشمرد که هدف آن کمک به ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد ناحیه‌ای در مجاورت زندگی آنان است (Hinrey, 2007, 52). در این خصوص می‌توان گفت که این شهرها با تأمین امکانات شغلی، تجاری، آموزشی و بهداشتی در نقش عوامل تولید عمل می‌کنند و به عنوان بازار تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی، بخشی از ناحیه را به تحرک اجتماعی-اقتصادی می‌رسانند (شکویی، ۱۳۸۳، ۳۱۴ و ۴۱۴). مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد (UNCRD) اعتبار شهرهای کوچک و میانی در کشورهای در حال توسعه را بیشتر در گرو سیاست‌های توسعه شامل پراکنش جمعیت و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نقاط

1-Deniss Rondinelli

پیرامونی کلان‌شهرها می‌داند (UNCHC, 2009, 25-29). پی‌یون،^۱ در طرح تحقیقاتی خود بر روی شهرهای کوچک چنین اظهار می‌دارد که شهرهای کوچک مکان‌های مناسبی برای توسعه کانون‌های زیستی‌اند و مهاجران روستایی را در برخی از فعالیت‌های صنعتی و خدماتی جذب می‌کنند و مانع از حرکت آنها به سوی شهرهای بزرگ منطقه می‌شوند (Puwen, 2008, 83). همچنین لیگاله^۲ با بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی آفریقا به این نتیجه دست یافت که این شهرها با ارائه نقش مرکزیت در حوزه‌های روستایی، مراکز محرک توسعه روستایی به شمار می‌آیند (Ligale, 1983, 9). رویکرد ایجاد و توسعه شهرهای کوچک تا کنون در کشورهایی چون فیلیپین، بولیوی، ولتای علیا، کامرون، گواتمالا و اندونزی مورد استفاده و بازنگری قرار گرفته است (زبردست، ۱۳۷۷، ۲۸).

در ایران نیز با شکست سیاست قطب رشد و تبعات منفی ناشی از آن بعد از جنگ، به منظور رفع مشکلات ناشی از روابط نامتعادل و نابرابر میان مناطق شهری و روستایی، سیاست کلی به سمت توسعه روستا - شهری و به خصوص راهبرد یوفرد^۳ یعنی «کارکردهای شهری در توسعه روستایی» حرکت کرد. مبنای این راهبرد تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه بر محور شهر در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی است که آنها را قادر می‌سازد تا جوامع روستایی‌شان را به توسعه اجتماعی - اقتصادی برسانند (زیاری، ۱۳۸۵، ۱۵۶). سیاست ارتقای روستا به شهر در ایران بر مبنای همین راهبرد است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱) که به شکل تبدیل روستاهای نسبتاً بزرگ‌تر به شهرهای کوچک به منظور خارج ساختن آنها از انزوای جغرافیایی و تحقق تعادل‌های ناحیه‌ای، نمود یافت. در واقع آنچه از به کارگیری چنین راهبردی انتظار می‌رود، قرارگیری این شهرها به عنوان ابزاری مناسب برای پیوند روستا - شهری است تا با برعهده گرفتن نقش حلقه واسط بین نواحی روستایی و سطوح بالاتر

1- Puwen

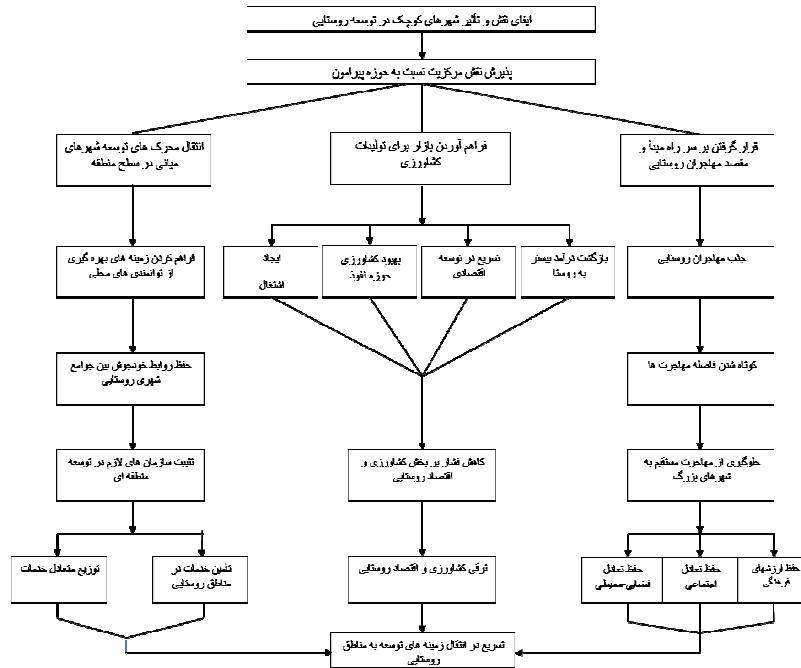
2- Ligale

3- UFRD

سلسله‌مراتب شهری بتوانند به افزایش تولیدات کشاورزی، مبادله کالا و مشارکت اقتصادی بین شهر و حومه کمک کنند (زبردست، ۱۳۸۳، ۳۴). از این رو نقش‌آفرینی شهرهای کوچک بر مناطق روستایی پیرامون‌شان را با تأکید بر ساختارها و کارکردهای مورد انتظار می‌توان در این ابعاد عنوان کرد که این شهرها با فرارگیری بر سر راه مبدأ مهاجران روستایی و جذب آنان، ضمن کاستن از مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ - و جلوگیری از مشکلات ناشی از آن - با تثبیت جمعیت روستایی به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و ایجاد تعادل‌های اجتماعی و همچنین فضایی - محیطی کمک می‌کنند.

شهرهای کوچک همچون مراکز توسعه روستایی و بستر هماهنگ توسعه شهری و روستایی و حلقه اتصال فضاهای روستایی با شبکه شهری قلمداد می‌شوند (نوری و همکاران، ۱۳۸۸) و تا اندازه‌ای خلأ مراکز خدمات شهری را در حوزه‌های روستایی پر می‌کنند. از سوی دیگر، آنها در ایجاد اشتغال غیرکشاورزی و تقویت خدمات تجاری آموزشی و بهداشتی روستاهای حوزه نفوذ شهرهای جدید نیز مؤثر بوده‌اند (ضیاء توانا، امیر انتخابی، ۱۳۸۶). از دیگر سو، حضور این شهرها در سطح منطقه با فراهم ساختن بازار فروش محصولات کشاورزی، ایجاد اشتغال و بازگشت درآمد بیشتر به سطح روستاها به تسریع در توسعه اقتصادی نقاط روستایی از طریق کاهش فشار بر بخش کشاورزی به عنوان اساسی‌ترین بخش فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی یاری می‌رساند.

همچنین شهرهای کوچک با انتقال محرک‌های توسعه به شهرهای میانی در سطح منطقه از طریق فراهم کردن زمینه‌های بهره‌گیری از توانمندی‌های محلی، به حفظ روابط خودجوش بین جوامع شهری و روستایی یاری می‌رسانند و در مجموع با رفع کمبودهای موجود در خدمات و امکانات مورد نیاز روستاییان، نقش‌آفرینی‌شان را در توسعه سکونتگاه‌های روستایی نمایان می‌سازند (شکل ۱).



شکل ۱. تأثیرات کارکردی شهرهای کوچک بر مناطق روستایی پیرامون

منبع: نگارندگان بر اساس دیدگاه‌های فنی، ۱۳۸۲

از این رو با توجه به کمبودها و محرومیت‌های موجود در روستاهای واقع در بخش کیار در بهره‌مندی از بسیاری خدمات و امکانات گوناگون و لزوم توجه به رفع این تنگناها و همچنین با در نظر گرفتن نقش شهرهای کوچک به عنوان عواملی تسهیل‌کننده و تسریع‌بخش در توسعه مناطق روستایی، هدف اصلی مورد نظر در این پژوهش، ضمن بررسی عوامل مؤثر در تبدیل شلمزار (مرکز بخش کیار) به شهر، ارزیابی میزان موفقیت و توانمندی این شهر کوچک در فراهم آوردن بسترهای مناسب برای توسعه مناطق روستایی پیرامون آن است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع مطالعات کاربردی است و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی، که به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. تمرکز اصلی پژوهش در بخش مطالعات میدانی بر پرسشنامه است و در آن سه نوع پرسشنامه سرپرست خانوارهای شهری، خانوارهای روستایی و کارخانجات صنعتی به کار رفته است.

سطح تحلیل در این پژوهش شهر شلمزار و روستاهای بخش کیار از توابع استان چهارمحال و بختیاری و واحد تحلیل، سرپرستان خانوارهای شهری و روستایی ساکن در بخش مورد مطالعه است. قلمرو زمانی پژوهش از ابتدای مهر ۱۳۸۸ تا نیمه اول بهمن ۱۳۹۰ است. به منظور انتخاب نمونه در مورد مطالعه با توجه به تعداد زیاد جمعیت از مجموع ۱۶۸۱ خانوار شهری با استفاده از فرمول کوکران، ۳۱۳ خانوار و از مجموع ۷۳۵۶ خانوار روستایی، ۳۹۵ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. در مرحله بعد با توجه به حجم و پراکندگی زیاد جمعیت با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک، از هر ۱۸ خانوار روستایی یکی و از هر ۵ خانوار شهری نیز یکی به عنوان نمونه انتخاب شد و مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین در توزیع پرسشنامه‌های کارخانجات صنعتی با استفاده از فرمول کوکران از مجموع ۵۷ کارخانه صنعتی در بخش مورد مطالعه ۱۶ کارخانه به عنوان نمونه انتخاب گردید و بررسی شد.

در پردازش و تحلیل اطلاعات نیز نرم‌افزار spss به کار گرفته شد. در تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات از آزمون‌های ناپارامتری رتبه‌ای ویلکاکسون (مقایسه زوجی) برای مقایسه تحولات ایجادشده در شلمزار در دو برهه زمانی (پیش و پس از تبدیل شدن به شهر) به لحاظ متغیرهای اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و فضایی-کالبدی از دیدگاه مسئولان محلی (بخشداری، شهرداری، دهیاری‌ها و دیگر نهادهای ذی‌ربط) به‌ویژه ساکنان شهر و روستا استفاده شد. همچنین روش آزمون ناپارامتری کروسکال والیس برای بررسی میزان نقش‌آفرینی شلمزار در توسعه روستاهای واقع در بخش کیار مورد استفاده قرار گرفت.

ناحیه مورد مطالعه

چهارمحال و بختیاری از جمله استان‌های کشور است که از چنین روندی تبعیت می‌کنند، به‌گونه‌ای که شهرهای این استان از ۹ شهر در سال ۱۳۵۵، طی سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۱۲ و ۱۸ و ۲۶ شهر افزایش یافته است. یعنی تنها طی سه دهه اخیر (۱۳۸۵-۱۳۵۵)، ۱۷ شهر به شبکه شهری استان افزوده شده و با افزایش یک شهر دیگر در سال ۱۳۸۶ در زمان حاضر تعداد شهرهای این استان به ۲۷ شهر رسیده است. بررسی‌های صورت‌گرفته حاکی از این است که در سال‌های مورد نظر در برابر کاهش و رشد منفی جمعیت در روستاهای محدوده مورد مطالعه، شلمزار و دیگر شهرهای واقع در استان همواره بر جمعیت‌شان افزوده شده است. این خود حاکی از وجود تنگناها و مشکلات فراوان در زمینه بهره‌مندی از امکانات مورد نیاز در روستاها و مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهرهاست. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، شهر شلمزار و روستاهای واقع در سه دهستان پیرامون آن در بخش کیار شهرستان شهرکرد استان چهارمحال و بختیاری است که از سال ۱۳۶۹ به شهر تبدیل شده است.

یافته‌های پژوهش

ساختار اجتماعی

بر اساس یافته‌های کار میدانی در فاصله دو دهه از تأسیس شلمزار (۱۳۸۹-۱۳۶۹)، در مجموع ۱۳۴۳ تن بر جمعیت آن افزوده شده است که از این تعداد ۱۲۶۲ تن را مهاجران وارد شده به این شهر تشکیل داده‌اند. در خصوص مبدأ مهاجران و دلایل عمده مهاجرت به شلمزار، می‌توان گفت که مهاجران در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ کسانی هستند که در پی جنگ ایران و عراق به مناطق امن استان چهارمحال و بختیاری از جمله شلمزار مهاجرت کرده‌اند (شهرداری شلمزار). برخی دیگر را کارگران روزمزد و شاغلان در بخش خدمات خصوصی و دولتی شلمزار تشکیل می‌دهند که در ابتدا به شکل روزانه به شلمزار رفت و آمد می‌کردند و پس از مدتی با

توجه به مشکلات و هزینه‌های موجود در همین شهر ساکن شدند. جدای از موارد یادشده، بسیاری از مهاجرت‌ها از مناطق روستایی بخش کیار به شلمزار بوده است. یافتن کار و فقدان بسیاری از امکانات و تسهیلات و به ویژه امکانات آموزشی و بهداشتی - درمانی در روستاها از مهم‌ترین دلایل این مهاجرت‌هاست. البته در پاره‌ای از موارد نیز نداشتن توان مالی برای سکونت در دیگر مراکز شهری، مهاجرت‌های روستایی را به سوی شلمزار کشانده است. در خصوص مبدأ مهاجران روستایی وارد شده به شلمزار در طی ۱۰ سال اخیر، باید گفت که بیشترین این‌گونه مهاجران به ترتیب روستاییان دهستان‌های کیار غربی، کیار شرقی، و دستگرد بوده است. از مهم‌ترین عوامل در این جریان می‌توان به وجود فاصله کوتاه‌تر بین روستاهای واقع در دهستان کیار غربی تا شلمزار (با توجه به قرارگیری شهر شلمزار در این دهستان) در مقایسه با روستاهای واقع در دو دهستان دیگر اشاره کرد. بر اساس گزارش‌های شهرداری شلمزار، روستاهای جعفرآباد، خراجی، تشنیز، امیرآباد و اسلام‌آباد که در فاصله کوتاه‌تری قرار گرفته‌اند (جدول ۴) مهاجرفرست‌ترین روستاها بوده‌اند. به هر روی، می‌توان گفت که رشد طبیعی جمعیت شلمزار در این دوره تنها ۸۱ نفر (۲/۱۵ درصد) بوده و بدین ترتیب جمعیت شلمزار در سال ۱۳۸۵ یا آخرین دوره سرشماری، ۷۰۰۳ نفر برآورد گردیده است. این در حالی است که پیش‌بینی جمعیت این شهر تا سال ۱۳۸۲ حدود ۱۰۰۵۵ نفر بود، و بنابراین رشد مورد انتظار جمعیت تحقق نیافته است. در واقع شلمزار، یا خود مهاجر فرست بوده و یا توانمندی لازم را برای نگه‌داشت جمعیتی که به آن مهاجرت کردند، نداشته است.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به جز شلمزار، دو شهر کیان (تأسیس ۱۳۷۰) و سورشجان (تأسیس ۱۳۶۸) نیز بر اثر تبدیل روستا به شهر به شبکه شهری استان چهارمحال و بختیاری افزوده شده‌اند. مقایسه میزان رشد جمعیت شلمزار با دو شهر یادشده در نخستین سرشماری پس از تبدیل‌شان به شهر (۱۳۷۵) نشان می‌دهد که جمعیت شلمزار با افزایش ۲ درصدی‌اش، بیش از دو شهر دیگر رشد کرده است. اما در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهر سورشجان با رشد ۰/۷۳ درصدی آن در دوره ۸۵-۱۳۷۵ به بیش از ده‌هزار نفر رسید؛ در حالی که در همین دوره

جمعیت شهر کیان ۰/۸۱ درصد و جمعیت شلمزار تنها ۰/۱۵ درصد رشد داشت. به این ترتیب، در حالی که دو شهر یادشده در ردیف شهرهای ۲۵-۱۰ هزار نفری جای می‌گیرند، شلمزار همچنان در گروه شهرهای کوچک ۱۰-۵ هزار نفری است.

مقایسه شلمزار با چهار شهر گهرو، طاقانک، نافج و سودجان، نتایج متفاوتی را به دست می‌دهد. بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۸۵ نرخ رشد جمعیت در هر چهار شهر ایجاد شده، در مقایسه با دوره قبل منفی بود؛ در حالی که در همین دوره شلمزار به‌رغم رشد محدود ۰/۱۵ درصدی‌اش، در نگه‌داشت جمعیت خود موفق‌تر از چهار شهر دیگر بوده است (جدول ۵). در فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به‌رغم رشد ۸/۳ درصدی جمعیت شهرهای کوچک که رقم نسبتاً بالایی است، رشد ۲ درصدی شلمزار کمتر از شهرهای مذکور بوده است. با این حال در سال ۱۳۸۵ به‌رغم رشد منفی شهرهای کوچک در کشور، شلمزار با وجود رشد نه‌چندان جدی ۰/۱۵ درصدی، موفقیتی بیش از دیگر شهرهای هم‌سطح آن داشته است. به این ترتیب ارزیابی سطح تحولات جمعیتی شلمزار در دو دوره پیش از تبدیل به شهر و پس از آن، مشخص می‌سازد که هرچند از جمله تأثیرات عمده تبدیل کانون روستایی به شهر رشد جمعیتی آن است، لیکن به نظر می‌رسد چنین رشدی در جمعیت شلمزار در سال‌های پس از تبدیل شدن به شهر چندان محسوس و جدی نبوده است.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به‌جز شلمزار دو شهر کیان (تأسیس ۱۳۷۰) و سورشجان (تأسیس ۱۳۶۸) نیز بر اثر تبدیل روستا به شهر به شبکه شهری استان چهارمحال و بختیاری افزوده شده‌اند. مقایسه میزان رشد جمعیت شلمزار با دو شهر یادشده در نخستین سرشماری پس از تبدیل به شهر در سال ۱۳۷۵، با افزایش ۲ درصدی‌اش بیش از دو شهر دیگر بوده است. اما در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهر سورشجان با رشد ۰/۷۳ درصدی‌اش در دوره ۸۵-۱۳۷۵ به بیش از ده‌هزار نفر رسید، در حالی که در همین دوره جمعیت شهر کیان ۰/۸۱ درصد و جمعیت شلمزار تنها ۰/۱۵ درصد رشد داشت. به این ترتیب در حالی که دو شهر دیگر در ردیف شهرهای ۲۵-۱۰ هزار نفری قرار گرفتند، شلمزار همچنان در گروه شهرهای کوچک ۱۰-۵ هزار نفری ماند.

مقایسه شلمزار با چهار شهر گهرو، طاقانک، نافج و سودجان، نتایج متفاوتی را به دست می‌دهد. در سال ۱۳۸۵ نرخ رشد جمعیت در هر چهار شهر ایجاد شده، در قیاس با دوره قبل منفی بوده، در حالی که شلمزار به رغم رشد محدود ۰/۱۵ درصدی‌اش در نگه‌داشت جمعیت خود، موفق‌تر از چهار شهر دیگر بود. در فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ در شهرهای کوچک رشد ۸/۳ درصدی جمعیت مشاهده شد در حالی که رشد شلمزار در این زمینه تنها ۲ درصد بود. البته در سال ۱۳۸۵ با رشد منفی شهرهای کوچک، شلمزار با رشد ناچیز ۰/۱۵ درصدی‌اش موفق‌تر از دیگر شهرهای هم‌سطح آن بود. به این ترتیب ارزیابی سطح تحولات جمعیتی شلمزار در دو دوره پیش از تبدیل شدن به شهر و پس از آن، به طور کلی نشان می‌دهد که هرچند رشد جمعیتی از جمله تأثیرات جدی تبدیل کانون روستایی به شهر به شمار می‌آید، لیکن چنین رشدی در جمعیت شلمزار در سال‌های پس از تبدیل شدن به شهر، چندان محسوس و درخور تأمل نبوده است.

تحولات فرهنگی - تفریحی

روند تغییرات در زمینه خدمات فرهنگی - تفریحی شلمزار بر اساس آزمون رتبه‌ای ویلکاکسون حاکی از آن است که بین امکانات فرهنگی-تفریحی شلمزار در مقاطع پیش از تبدیل شدن به شهر و پس از آن تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{sig}=0/034$) (جدول‌های ۲ و ۳).

تحولات امکانات آموزشی

با توجه به نتایج آزمون ناپارمتری ویلکاکسون، بین امکانات آموزشی شلمزار در مقاطع پیش از تبدیل شدن به شهر و پس از آن، تفاوت معناداری به چشم می‌خورد ($\text{sig}=0/003$) (جدول‌های ۲ و ۳).

تحولات امکانات بهداشتی - درمانی

نتایج آزمون ناپارامتری ویلکاکسون حاکی از آن است که بین امکانات بهداشتی-درمانی شلمزار، پیش از تبدیل شدن به شهر و پس از آن در سطح ۰/۰۵ تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود (جدول‌های ۲ و ۳).

جدول ۱. مقایسه امکانات بهداشتی درمانی شلمزار، پیش و پس از تبدیل شدن به شهر

امکانات	زمان	۱۳۶۵	۱۳۶۹	۱۳۸۷	درصد تغییرات
خانه بهداشت		۰	۰	۰	-
جمع‌آوری بهداشتی زباله		۰	۰	*	-
جمع‌آوری بهداشتی فاضلاب		*	*	*	-
حمام عمومی		۲	۲	۱	۵۰
مرکز بهداشتی درمانی		۱	۱	۱	-
داروخانه		۰	۰	۱	۱۰۰
پزشک		۱	۱	۲	۱۰۰
دامپزشک		۰	۱	۱	-
شبکه بهداشتی-درمانی		۰	۰	۱	۱۰۰
غسالخانه و گورستان		۱	۱	۱	-
جمع		۵	۶	۹	-

منبع: مطالعات میدانی و آمارهای ارائه شده از سوی شهرداری شلمزار، ۱۳۸۷
 *علامت ستاره مربوط به آن دسته از خدماتی است که تا پیش از تبدیل شدن شلمزار به شهر نیز در این کانون وجود داشتند و پس از آن به لحاظ کیفی ارتقا یافتند.

جدول ۲. رتبه‌های مشاهده‌شده، پیش و پس از تبدیل شدن شلمزار به شهر
به تفکیک گروه مورد مقایسه

Sum of Ranks	Mean Rank	N	گروه مورد مقایسه بین سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۷	
۰	۰	a. ۵	رتبه‌های منفی	فرهنگی-تفریحی
۱۵	۳	b. ۵	رتبه‌های مثبت	
		c. ۵	رتبه‌های برابر کل	
۰	۰	d. ۱۱	رتبه‌های منفی	آموزشی
۶۶	۶	e. ۱۱	رتبه‌های مثبت	
		f. ۱۱	رتبه‌های برابر کل	
۴	۴	g. ۱	رتبه‌های منفی	بهداشتی-درمانی
۶	۲	h. ۳	رتبه‌های مثبت	
		i. ۴	رتبه‌های برابر کل	

جدول ۳. آماره‌های آزمون ویلکاکسون

گروه	فرهنگی-تفریحی	آموزشی	بهداشتی
Z نمره	۲/۱۲	۳/۰۲	۰/۳۸
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۰۳۴	۰/۰۰۳	۰/۷۰۵

تحولات سیاسی-اداری

پس از تبدیل شدن شلمزار به شهر، ضمن ایجاد نهادهای جدید، اقدامات زیادی به منظور احیا یا توسعه نهادهای موجود به لحاظ مدیریتی و عملکردی و همچنین تغییر در سیما و چهره ظاهری فضاهای اداری صورت گرفت (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه امکانات سیاسی - اداری شلمزار پیش و پس از تبدیل شدن به شهر

نهادهای اداری - سیاسی موجود در شلمزار تا سال ۱۳۶۹	نهادهای اداری - سیاسی ایجاد شده یا ارتقا یافته تا سال ۱۳۸۸
بخشداری کیار	شهرداری شلمزار (۱۳۶۹)
پایگاه مقاومت بسیج *	فرمانداری کل (۱۳۸۷)
اداره ثبت احوال	دفتر خدماتی - ارتباطی (۱۳۸۷)
پاسگاه انتظامی *	اداره مخابرات * (۱۳۸۷)
دفتر پست و مخابرات روستایی	اداره آموزش و پرورش * (۱۳۶۹)
اداره برق *	مدیریت جهاد کشاورزی * (۱۳۸۷)
نماینده آموزش و پرورش	اداره گاز (۱۳۷۶)
کمیته امداد امام *	اداره تربیت بدنی (۱۳۸۷)
دفتر بهزیستی	اداره بهزیستی (۱۳۸۸)

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

علامت ستاره (*)، مربوط به نهادهایی است که پس از تبدیل شدن به شهر ارتقا یافتند و مدیریت برخی از آنها نیز مستقل شد.

توسعه سطح این دسته از امکانات در شلمزار (با توجه به قرارگیری تمامی روستاهای بخش کیار در حوزه نفوذ اداری-سیاسی این شهر بر اساس تقسیمات اداری استان چهارمحال و بختیاری)، بیشترین میزان مراجعه روستاییان هر سه دهستان را برای رفع نیازهای اداری-سیاسی به شلمزار موجب شده، و از مراجعات مردم شلمزار نیز به دیگر مراکز شهری بسیار کاسته است. چنین مرکزی به گونه‌ای غیرمستقیم و ناخواسته، زمینه‌ساز مبادلات اقتصادی و فرهنگی بین روستاها با کانون شهری شلمزار گردیده است.

تحولات اقتصادی

پس از شهر شدن شلمزار، نیاز به ایجاد پاره‌ای از تحولات اساسی در نهادهای پشتیبانی کشاورزی و ابزارها و روش‌های مورد استفاده در این دسته از فعالیت‌های اقتصادی احساس شد. با ایجاد برخی از نهادها همچون بانک کشاورزی و احیای برخی دیگر مانند ارتقای دفتر جهاد کشاورزی به مدیریت جهاد کشاورزی و دیگر نهادهای از این دست، اقداماتی در این زمینه

صورت گرفت. دیگر تلاش‌های انجام شده، به دلایلی همچون فقدان نیروی انسانی و مدیریت کارآمد، محدودیت اختصاص فضای مناسب برای استقرار مراکز ضروری و ضعف تجهیزات و امکانات مالی و به‌ویژه حمایت‌نشدن جدی از سوی نهادهای ذی‌ربط، تاکنون نتایج مطلوبی به دست نیامده و مشکلات و تنگناهای فراوانی بروز کرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که روش‌های مورد استفاده در کاشت بذر و آبیاری و برداشت محصول و ابزارها و ادوات به کار رفته در فعالیت‌های کشاورزی شلمزار پس از تبدیل به شهر با تحول چندانی مواجه نگردیده است. به‌علاوه، با وجود تغییر نیافتن کاربری‌های کشاورزی به سایر کاربری‌هایی چون مسکونی و صنعتی و یا خدماتی، در سال‌های اخیر از شاغلان در این بخش کاسته شده است. این امر مشخص می‌سازد که هماهنگ با رشد فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های صنعت و خدمات و فراهم شدن زمینه‌های اشتغال در این بخش‌ها، گرایش به فعالیت در این‌گونه مشاغل نیز رو به افزایش نهاده است. مالکان اهل شلمزار بسیاری از زمین‌های کشاورزی را به کشاورزان ساکن شهر شلمزار و یا کشاورزان روستایی اجاره می‌دهند. بر این اساس در سال‌های پس از تبدیل شلمزار به شهر فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های صنعت و خدمات نیز به شکل گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت و با هدف رونق‌بخشی به اقتصاد شلمزار و روستاهای کیار، به منظور جذب سرمایه‌های بومی و غیر بومی برای ایجاد کارخانجات صنعتی تلاش شد. به این ترتیب، در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶، مجوز احداث ۸۳ کارخانه صنعتی وابسته به بخش خصوصی در سراسر بخش کیار صادر گردید که از آن میان ۶۲ مجوز (۷۲/۲ درصد) مربوط به احداث کارخانه در محدوده مورد مطالعه بوده است (جدول ۵).

جدول ۵. کارخانجات صنعتی واقع در بخش کیار

تعداد کل مجوز صادرشده	وضعیت		نوع مالکیت سهام		محل قرارگیری			تعداد کارخانه
	طرح	فعال	غیربومی	بومی	سایر	شهرک صنعتی تشنیز	شهرک صنعتی دستگرد	
۸۳	۳۷	۲۵	۲۰	۴۲	۶	۳۴	۲۲	۶۲

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

بررسی فعالیت تولیدی کارخانه‌های صنعتی ایجادشده در بخش کیار در رونق‌بخشی به محصولات روستایی بیانگر آن است که از مجموع این کارخانجات، تنها ۵ کارخانه به تولید فرآورده‌هایی می‌پردازند که مواد اولیه مورد نیاز آن غالباً از محصولات تولیدشده در روستاها تأمین می‌گردد.

در این زمینه کارخانجاتی که فعالیت‌شان عمدتاً متکی به مواد خام از بخش کشاورزی است، توانسته‌اند زمینه‌ساز ترغیب روستاییان برای به زیر کشت بردن زمین‌های بیشتر به لحاظ تأمین مواد اولیه آنها به واسطه اطمینان از فروش بموقع و عمدتاً نقدی و در نهایت رونق‌بخشی به محصولات روستایی گردند. کارخانجات واقع در شهرک صنعتی دستگرد تأثیری مختصر در توسعه محصولات روستایی دهستان دستگرد (۱۲/۵ درصد) داشته و کیار شرقی (۶/۳ درصد) در این زمینه هیچ‌گونه تأثیری بر توسعه محصولات دهستان کیار غربی نداشته است؛ اما کارخانجات واقع در شهرک صنعتی تشنیز در عین حال که تأثیری در توسعه محصولات دهستان دستگرد نداشته‌اند، در توسعه محصولات روستاهای دهستان کیار غربی (۱۲/۵ درصد) و روستاهای واقع در دهستان کیار شرقی (۶/۳ درصد) مؤثر بوده‌اند.

در زمینه عوامل مؤثر بر اولویت خرید محصولات کشاورزی از روستاهای بخش کیار از سوی کارخانه‌های صنعتی، میزان فاصله نقش آفرینی بیشتری داشته است. با اینکه فاصله بین کلیه مناطق بخش کیار چندان زیاد نیست، براساس گزارش‌های ارائه‌شده از سوی اداره صنایع استان، در زمان حاضر بیشتر کارگران مشغول به کار در کارخانجات واقع در شهرک صنعتی تشنیز و شهر شلمزار (۵۲/۹ درصد)، اهل و ساکن روستاهای دهستان کیار غربی - به ویژه روستاهای جعفرآباد، تشنیز، خراجی، امیرآباد و سلم- هستند. این در حالی است که در کارخانجات واقع در دهستان کیار شرقی و شهرک صنعتی دستگرد، بیشترین کارگران اهل روستاهای واقع در دهستان کیار شرقی (۴۶/۷ درصد) و دستگرد (۳۳/۳ درصد) هستند - به ویژه روستاهای دستگرد و ایرانچه و همچنین دزک و سرتشنیز. جدای از تأثیر برخی از عوامل مانند

خویشاوندی و یا همشهری بودن، عامل فاصله نیز بسیار تعیین‌کننده است، زیرا با توجه به نبود سرویس رفت و آمد، استخدام کارگر از نزدیک‌ترین مکان به کارخانه از سویی موجب رفاه حال کارگران و کاهش هزینه‌های رفت و آمد برای آنان می‌شود و از دیگر سو به حضور بموقع آنان در محل کار می‌انجامد.

اما مقایسه سطح امکانات و خدمات خصوصی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) موجود در شلمزار در دو برهه پیش از تبدیل شدن به شهر و پس از آن، بیانگر افزایش تعداد این واحدها از ۱۹ به ۱۷۶ (پس از تبدیل شلمزار به شهر) است. این افزایش، خود حاکی از تغییرات عمده در این دسته از خدمات است.

بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی، سطح بهره‌مندی از خدمات خصوصی در روستاهای موجود در محدوده مورد مطالعه در طول زمان دچار تغییراتی شده است. این تغییرات در قالب کاهش تعداد واحدهای خدمات خصوصی در روستاهای کم‌جمعیت و افزایش این واحدها در روستاهای پرجمعیت‌تر بوده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد که رابطه‌ای مستقیم بین میزان جمعیت موجود در روستاها و میزان بهره‌مندی از امکانات و خدمات خصوصی رابطه مستقیم وجود دارد. به هر ترتیب وجود چنین مشکلات و تنگنایی در مناطق روستایی بخش کیار، مراجعه‌های پی در پی روستاییان را به دیگر شهرها و روستاها برای دریافت این دسته از خدمات، الزامی می‌سازد و بخشی هم نصیب شلمزار می‌شود. در این زمینه تنها روستاهای واقع در دهستان کیار غربی به ویژه روستاهای جعفرآباد، تشنیز و خراجی که در فاصله نسبتاً کوتاه‌تری تا شلمزار قرار گرفته‌اند، در مقایسه با دیگر روستاهای محدوده مورد مطالعه بیشتر به شلمزار مراجعه کرده‌اند.

جدول ۶. مقایسه امکانات و خدمات خصوصی در شلمزار پیش و پس از تبدیل شدن به شهر

ردیف	خدمات خصوصی	سال ۱۳۶۹	سال ۱۳۸۷	ردیف	خدمات خصوصی	سال ۱۳۶۹	سال ۱۳۸۷
۱	خواروبارفروشی	۱۰	۵۰	۱۳	ساندویچ و پیتزا و بستنی و فالوده	۰	۵
۲	بزازی و خرازی	۲	۴	۱۴	فروشگاه وسایل منزل	۰	۱
۳	تراشکاری و جوشکاری	۰	۲	۱۵	فروش لوازم بدکی و تعمیر خودرو	۰	۱۲
۴	مشاور املاک	۰	۲	۱۶	تاکسی تلفنی	۰	۶
۵	خدمات کامپیوتری	۰	۶	۱۷	خیاطی زنانه و مردانه	۰	۶
۶	خشکشویی	۰	۱	۱۸	رستوران و کبابی و چای خانه	۰	۷
۷	تعمیر و فروش ساعت	۰	۲	۱۹	سرویس حمل و نقل عمومی	۳	۱۶
۸	فروشگاه مواد سوختی	۰	۱	۲۰	شیرینی فروشی	۰	۴
۹	عکاسی	۰	۴	۲۱	فروش و تعمیر وسایل الکتریکی	۰	۴
۱۰	نانوایی	۲	۱۰	۲۲	کتابفروشی	۰	۳
۱۱	قصابی	۲	۱۰	۲۳	طلافروشی	-	۳
۱۲	تعمیر و فروش موبایل	۰	۲	۲۴	فروش مرغ و ماهی	۰	۸

منبع: مطالعات میدانی و گزارش‌های شهرداری شلمزار، ۱۳۸۷

تحولات کالبدی - فضایی

هر چند بافت کالبدی شلمزار پیش از تبدیل شدن به شهر به دلیل وجود برخی از تأسیسات اداری و امکانات در آن و آسفالت بودن برخی از معابر، چهره‌ای روستایی - شهری داشت، اما پس از آنکه به شهر بدل شد، با توجه به تحولات ایجادشده در عرصه‌های جمعیتی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی، این بافت به تدریج با دگرگونی‌ها و تغییرات عمده‌ای بر سیمای‌شان مواجه شدند. برای مثال می‌توان به تعریض، آسفالت، اصلاح و ترمیم تمامی راه‌های ارتباطی درون شهری، تغییر در شکل مساجد، میدان‌ها و محله‌ها و نیز، توجه به ایجاد پارک‌ها و فضاهای سبز

در اراضی بایر شهری به منظور زیباسازی فضای شهر اشاره کرد. از همین دست‌اند نام‌گذاری محله‌ها و میدان‌ها و خیابان‌ها با هدف هویت‌بخشی به این فضاها، توسعه گسترده فضاها، مسکونی و تغییر در چهره و سیمای آنها با استفاده از مصالح جدید ساختمانی به جای مصالح سنتی، نقشه‌های ساختمانی متفاوت، آپارتمان‌های دوطبقه و ایوان‌دار، ایجاد ساختمان‌های جدید مربوط به مؤسسات، سازمان‌ها، ادارات و مراکز دولتی و خدماتی یا فرهنگی و اقتصادی، و نیز مرمت بافت فرسوده ساختمان‌های قدیمی موجود، ترمیم بنای تاریخی صمصامی و رسیدگی به آن با هدف تبدیل آن به مکانی تفریحی با حفظ هویت تاریخی، و نظایر اینها.

در بخش دوم این پژوهش به مطالعه نقش‌پذیری شلمزار در توسعه روستاهای بخش کیار بر مبنای میزان مراجعه به این شهر از روستاهای واقع در سه دهستان بخش کیار برای دریافت آن دسته از امکانات و خدمات مورد نیاز که در محل سکونت آنان یافت نمی‌گردد پرداخته شده است. بدین منظور با استفاده از آزمون ناپارامتری کروسکال والیس، میزان نقش‌پذیری شلمزار در توسعه روستاهای محدوده مورد مطالعه، آزمون گردیده است.

جدول ۷. آماره آزمون کروسکال - والیس

خدمات	دهستان	تعداد	Minrank
خصوصی	دستگرد	۲۱	۲۷/۵۰
	کیار شرقی	۲۸	۴۰/۴۸
	کیار غربی	۵۱	۶۵/۴۷
	کل	۱۰۰	
اقتصادی	دستگرد	۲۱	۳۷/۵
	کیار شرقی	۲۸	۴۳/۰۵
	کیار غربی	۵۱	۵۹/۹۴
	کل	۱۰۰	
فرهنگی	دستگرد	۲۱	۲۶/۱۹
	کیار شرقی	۲۸	۲۸/۳۴
	کیار غربی	۵۱	۷۲/۶۸
	کل	۱۰۰	

جدول ۸. آمارهٔ آزمون کای اسکوئر

خدمات فرهنگی	خدمات اقتصادی	خدمات خصوصی	
۶۴/۱۸۷	۱۹/۵۷۹	۳۵/۸۵۴	کای اسکوئر
۲	۲	۲	Df
۰	۰	۰	Asym. Sig

بررسی عملکردهای اقتصادی شلمزار با در نظرگیری روستاهای بخش کیار در زمینهٔ ایجاد بازار برای محصولات کشاورزی، حاکی از آن است که روستاییان دو دهستان کیار شرقی و دستگرد برای فروش محصولات کشاورزی و زراعی‌شان، به شلمزار مراجعه نکرده‌اند. در این میان، ۱۹/۲ درصد مراجعه‌ها تنها از روستاهای کیار غربی - به ویژه از روستاهای خراجی، جعفرآباد، حاجی‌آباد، تشنیز و زوردگان - به شلمزار بوده است. مراجعه به شلمزار برای فروش محصولات لبنی و دامی از سوی روستاییان دهستان کیار غربی به ویژه جعفرآباد و دستگرد به میزان ۱۷/۶، و از روستاهای کیار شرقی مانند سرتشنیز، ۳/۶ برآورد شده است؛ و روستاییان دهستان دستگرد بدین منظور به شلمزار مراجعه نکرده‌اند. بر این اساس عملکرد شلمزار در جذب محصولات روستایی و فرستادن آنها به بازار فروش کانون‌های شهری بالادست، نشان از ناکامی این شهر در ایفای نقش واسطه‌ای‌اش برای روستاهای بخش کیار دارد. با تبدیل شلمزار به شهر زمینه‌های اشتغال در بخش‌های خدمات خصوصی و دولتی برای روستاییان بخش کیار بیش از پیش فراهم آمده؛ و در این زمینه سطح اشتغال در مشاغل دولتی و خصوصی شهر شلمزار در روستاهای دهستان کیار غربی، بیش از دو دهستان دیگر بوده است.

همچنین براساس بررسی‌ها، روستاییان سه دهستان مورد مطالعه برای دریافت خدمات خصوصی، روستاییان دو دهستان کیار شرقی و دستگرد، هیچ به شلمزار مراجعه نکرده‌اند؛ و مراجعه‌ها بدین منظور تنها از روستاهای دهستان کیار غربی به میزان ۳۴/۰ بوده است.

با بررسی عملکرد فرهنگی - تفریحی شلمزار برای روستاهای سه دهستان مورد مطالعه، می‌توان دریافت در حالی که در این خصوص بیشترین میزان مراجعه (۵۶/۲) از روستاهای

دهستان کیار غربی بوده است، روستاییان دهستان کیار شرقی تنها به میزان ۵ درصد به شلمزار مراجعه کرده‌اند لیکن هیچ مراجعه‌ای از سوی روستاییان دهستان دستگرد نبوده است. در خصوص عملکردهای بهداشتی- درمانی و آموزشی شلمزار برای روستاهای بخش کیار، می‌توان اشاره کرد که بیشترین میزان مراجعه روستاییان در زمینه‌های مذکور، از روستاهای دهستان کیار غربی به میزان ۴۲/۲ برای دریافت خدمات آموزشی و ۳۲/۴ درصد برای دریافت خدمات بهداشتی- درمانی بوده است؛ و از روستاهای دو دهستان دیگر هیچ مراجعه‌ای در کار نبوده است. بررسی عملکرد تولیدی- خدماتی شلمزار از این لحاظ مشخص می‌سازد که در زمان حاضر مراکز ارائه‌کننده خدمات پشتیبانی شلمزار مانند دفتر ترویج، مرکز خدمات کشاورزی، شرکت تعاونی و بانک کشاورزی تنها به روستاهای دهستان کیار غربی خدمات‌رسانی می‌کنند. این به گونه‌ای است که هم‌اکنون ۸۴/۳ درصد مراجعه‌ها به مراکز تولیدی- خدماتی و ۹۰/۲ درصد برای دریافت وام از بانک کشاورزی شلمزار، از سوی روستاییان دهستان کیار غربی بوده است؛ و روستاهای دو دهستان دیگر در زمینه‌های یاد شده، هیچ به شلمزار مراجعه نکرده‌اند. همچنین ناگفته نماند که مطالعه عملکردهای سیاسی- اداری شلمزار با در نظر گرفتن روستاهای بخش کیار، نتایج متفاوتی را به دست می‌دهد. در واقع هم‌اکنون شلمزار اولویت نخست مراجعه‌ها از هر سه دهستان یاد شده، برای دریافت خدمات مذکور به شمار می‌آید. در این زمینه روستاییان دهستان کیار غربی به میزان ۸۳/۳ درصد، روستاییان دهستان کیار شرقی ۸۲/۱ درصد، و روستاییان دهستان دستگرد ۸۲/۵ به شلمزار مراجعه کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

تبدیل شلمزار به شهر در سال ۱۳۶۹ را از جنبه‌ای می‌توان با توجه به روند رو به رشد آن، دنباله‌تحوالات شلمزار از سال ۱۳۴۲ (دادن بخشداری کیار به شلمزار) بدین سو قلمداد کرد. این روند را می‌توان با استفاده از نظریه «علیت تراکمی» میردال چنین توجیه کرد که سطوح بالاتر جمعیت و امکانات و خدمات در شلمزار، مقدمات توجه بیشتر مسئولان و نهادهای دولتی

دست‌اندرکار، و سپس جذب امکانات و خدمات بیشتر و تحولات گسترده‌تر و سرانجام تبدیل آن را به شهر فراهم ساخت.

نتایج به دست آمده از این پژوهش در ابعاد اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی با مطالعات افرادی چون باجراچاریا در نپال (۱۹۹۴)، کندو و سارنگی در هند (۲۰۰۵)، سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶)، کریمی و همکاران (۱۳۹۱) و ایزدی خرامه (۱۳۸۰) در ایران مطابقت دارد. پژوهشگران یادشده نقش این‌گونه شهرها را در رونق اقتصادی روستاهای پیرامونی‌شان، به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری‌های مناسب در زمینه صنعتی و فعالیت‌های غیرکشاورزی، ناموفق ارزیابی کرده‌اند. شلمزار نیز به‌رغم ایفای نقش مؤثر اقتصادی برای روستاهای دهستان کیار غربی، در دو دهستان دیگر (کیار شرقی و دستگرد) عملکرد مناسبی نداشته است.

در زمینه اجتماعی - فرهنگی نیز پژوهش حاضر با پژوهش‌های باجراچاریا در نپال (۱۹۹۴)، کندو و سارنگی در هند (۲۰۰۵)، سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶)، کریمی و همکاران (۱۳۹۱) و ایزدی خرامه (۱۳۸۰) در ایران مطابقت دارد؛ زیرا این شهر تنها در ارائه خدمات اجتماعی فرهنگی به روستاهای یکی از سه دهستان پیرامونی‌اش (کیار غربی)، به خوبی خدمات‌رسانی کرده است. البته این با نتایج به دست آمده باجراچاریا، راندینلی و ایزدی خرامه مغایر است، که این نقش این شهرها را در بهبود کارکردهای خدماتی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بعد اجتماعی فرهنگی موفق ارزیابی کرده‌اند. بر اساس مطالعات میدانی، هم‌اکنون مهم‌ترین عوامل مؤثر بی‌تمایلی روستاییان دو دهستان کیار شرقی و دستگرد را برای مراجعه به شلمزار و دریافت خدمات مورد نیازشان از این شهر، می‌توان چنین برشمرد:

- مشکلات ارتباطی، همچون فاصله بیشتر بین این روستاها تا شلمزار (در قیاس با روستاهای کیار غربی)، استهلاک جاده‌ها و معابر و به ویژه فقدان وسایل نقلیه عمومی یا خط تاکسی از این روستاها تا شلمزار.

- کمبودها و مسائل و معضلات مربوط به امکانات و تسهیلات در شلمزار. تنگناهای موجود، همان‌گونه که اشاره شد، بخشی از مراجعه‌های مردم شلمزار را نیز به دیگر شهرهای بزرگ

استان سوق می‌دهد. تبعات ناشی از علایق و سلیقه‌ها و دیدگاه‌های شخصی. بر اساس بررسی‌های انجام شده، شلمزار نزد بسیاری از روستاییان هر سه دهستان مورد مطالعه تاکنون پذیرش عمومی به عنوان شهر را نیافته است. در برخی از موارد روستاییان حتی در صورتی که بتوانند نیازهای‌شان را در شلمزار برآورده سازند، تمایل چندانی برای مراجعه به این شهر ندارند؛ و بدین ترتیب، در واقع مراجعه به دیگر مراکز در بین روستاییان ارجحیت یافته است.

منابع

- اداره صنایع استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۷، دفتر نظارت بر کارخانجات صنعتی استان. اداره کل جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۵.
- ایزدی‌خرامه، حسن، ۱۳۸۰، **تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستاهای پیرامون (مورد فارس)**، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، **طرح هادی روستاهای بخش کبار**.
- جمشیدیان، احمدرضا و نوری‌زاد، مهدی، ۱۳۸۵، **طرح و تجزیه و تحلیل آزمایش‌ها با نرم‌افزار Minitab14**، نشر ارکان دانش، تهران.
- رهنمایی، محمدتقی و شاه‌حسینی، پروانه، ۱۳۸۳، **فرایند برنامه‌ریزی شهری ایران**، انتشارات سمت، تهران.
- زبردست، اسفندیار، ۱۳۷۷، **عملکردهای شهری در توسعه روستایی**، رویکردی با گسترش فضایی بر **برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، مسکن و انقلاب، شماره ۸۴.
- زنجانی، حبیب‌الله، ۱۳۷۶، **تحلیل جمعیت‌شناسی**، انتشارات سمت، تهران.
- زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۵، **اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه یزد.

محمدحسن ضیاء توانا و خدیجه شریفی ——— تبدیل شلمزار به شهر و نقش آفرینی آن در توسعه روستاهای پیرامون

سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، معاونت صنایع و توسعه روستایی، ۱۳۸۷.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۵.

سعیدی، عباس، ۱۳۷۹، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران.

شکویی، حسین، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.

صرافی، مظفر، ۱۳۷۷، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

ضیاء توانا، محمدحسن و امیر انتخابی، شهرام، ۱۳۸۶، روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص. ۱۰۷-۱۲۸.

طاهرخانی، حبیب‌الله، ۱۳۷۸، تبدیل روستاهای بزرگ به شهر نگاهی به یک سیاست، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، دوره اول، شماره ۵.

فنی، زهره، ۱۳۸۲، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.

کریمی، بهرام، بدری، سیدعلی، سلمانی، محمد و قدیری معصوم، مجتبی، ۱۳۹۱، ارزیابی تأثیر ارتقای روستا به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی (مطالعه موردی، بخش دیلمان - شهرستان سیاهکل)، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره سوم، قطب علمی مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، صص. ۱-۳۱.

مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵، فرهنگ آبادی‌های شهرستان شهرکرد. سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۸۵-۱۳۵۵.

نظریان، علی اصغر، ۱۳۷۴، جایگاه شهرهای کوچک در سازماندهی فضایی و توسعه ملی (مورد استان زنجان)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، شماره ۴، صص. ۴۸-۷۱.

نوری، هدایت‌الله، حسینی ابری، سیدحسن و خادمی، حسین، ۱۳۸۸، نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی استان یزد، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، صص. ۶۱-۷۷.

وزارت کشور، ۱۳۸۵، دفتر تقسیمات کشوری.

Barean, I., 2009, **Introduction to Urban Planning**, London.

Baresky, F., 2009, **Urban Planning in Small Towns and Rural Area**, Routledge, London.

Bloh, Hannah, V., 2008, **Small Towns as Interfaces for Interaction**, Exchange and Transition in Vietnam, Institute of Southeast Asian Studies II, University of Passau, Germany.

Hinrey, N., 2007, **Small Towns and Urban Planning in Developing Country**, Urban Studies, vol. 33, N. 946.

Ligale, A.N., 1982, **The Role of Small and Intermedia Cities in National Development in Africa**, UNCRD, Nagoya, Japan.

Puwen, K., 2008, **Role of Small Centers and Development, a Case Study: Indonesia**, cambon university.

UNCHC, 2009, **Small Town and Its Position in Third World**, New York.